

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ ۲

سطح ۲

درس ۱۷

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای حججی

نماز گزار با تکبیر الاحرام از خلق بریده و به خالق می‌پیوندد. در پایان نماز با سلام دادن از آسمان فرود آمده در ابتدا به پیامبر (ص) سپس به همه انبیاء و اوصیا گذشته و امامان معصوم (ع) سلام می‌کند. در دین اسلام خود را با بندگان صالح خدا پیوند می‌دهد. آنگاه بر مؤمنان همراه خود سلام می‌کند. مباحث درس‌های گذشته به بحث و بررسی اجزاء واجب نماز - نیت، تکبیر، قیام، قرائت، رکوع، سجود و تشهد - گذشت.

«تسلیم» آخرین جزء واجب نماز است که مباحث این جلسه را با طرح احکام آن شروع خواهیم کرد. نماز گزار با دادن «سلام» از نماز خارج شده و تمام چیزهایی که برای او حرام شده بود، مباح خواهد شد. دو صیغه برای «سلام» ذکر شده است که مکلف در بیان هر کدام از آنها مخیر است. مطالب مذکور از اهم احکام «تسلیم» است که در این درس به طرح مستندات آن خواهیم پرداخت. و با بررسی ادله آن بحث در اجزاء واجب نماز را به پایان خواهیم رساند. یکی دیگر از ابواب قابل توجه در باب صلات، احکام شکایات نماز است. در پایان این درس اهم مسائل و احکام شکایات نماز را مطرح خواهیم کرد و نقد و بررسی آن را در جلسات بعدی دنبال خواهیم نمود.

متن عربى

التسليم

و هو آخر أجزاء الصلاة. و به يتحقق الخروج عنها و تحل منافياتها.

و له صيغتان: السلام علينا و على عباد الله الصالحين، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته. و بأيهما بدأ تحقق به الانصراف.

و المستند فى ذلك:

١- اما وجوب التسليم، فهو المشهور- و قيل باستحبابه- و يدل عليه موثق أبى بصير: «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول فى رجل صلى الصبح فلما جلس فى الركعتين قبل أن يتشهد رعف. قال: فليخرج فليغسل أنفه ثم ليرجع فليتمّ صلاته فان آخر الصلاة التسليم» و غيره.

و أمّا التخيير فى صيغة التسليم و تحقق الانصراف بما بدأ به منهما، فهو المشهور بين المتأخرين، و يقتضيه الجمع بين صحيحة الحلبي: «قال أبو عبد الله عليه السلام: كل ما ذكرت الله عزّ و جلّ به و النبى صلى الله عليه و آله فهو من الصلاة. و ان قلت: السلام علينا و على عباد الله الصالحين فقد انصرفت». و موثقة الحضرمي عن أبى عبد الله عليه السلام: «قلت له إنى أصلى بقوم. فقال: تسلّم واحدة و لا تلتفت، قل: السلام عليك أيّها النبى و رحمة الله و بركاته، السلام عليكم...»

أحكام الشكوك

من شك فى ادائه للصلاة فى الوقت يلزمه فعلها دون ما لو شكّ فى خارجه.

و الشاك فى جزء أو شرط بعد الفراغ لا يلتفت.

و الشاك فى فعل بعد الدخول فى غيره يبني على تحقّقه، و إذا كان قبله يأتى به.

و الشاك فى صحّة المأتى به يبني على الصحّة و ان لم يدخل فى غيره.

و الشك فى عدد الركعات من الثنائىة و الثلاثىة و الأوّليتين من الرباعية مبطل لها.

و الشاك بين الاثنتين و الثلاث من الرباعية بعد إتمام الذكر الواجب للسجدة الأخيرة يبني على الثلاث و يحتاط بركعة قائما أو بركعتين جالسا.

و الشاك بين الثلاث و الأربع يبني على الأربع و يحتاط كذلك.

و الشاك بين الثنتين و الأربع بعد إتمام الذكر الواجب للسجدة الأخيرة يبني على الأربع و يحتاط بركعتين من قيام.

و الشاك بين الثنتين و الثلاث و الأربع بعد إتمام الذكر الواجب للسجدة الأخيرة يبني على الأربع و يحتاط بركعتين من قيام و ركعتين من جلوس.

و الشاک بین الأربع و الخمس بعد ذکر السجدة الأخيرة یبني علی الأربع و یسجد سجدتی السهو. و اذا کان شکّه المذكور حالة القيام یجلس و یطبّق حکم الشاک بین الثالثة و الرابعة.
و الظن بعدد الركعات بحکم الیقین بخلافه فی الافعال فانه بحکم الشک.

۱. آخرین مرحله نماز، سلام و درود فرستادن بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، بندگان صالح و همه نماز گزاران است. «تکبیرة الاحرام» اجازه ورود به نماز و «سلام» اجازه خروج از آن است.

در باره حکمت و فلسفه «سلام» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. احساس یگانگی و همدلی مسلمانان: نمازگزار وقتی در سلام نماز به همه مؤمنان و بندگان صالح و بر خودش سلام می‌دهد، احساس می‌کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزرگ اسلام است و با مردان خدا، در هر جای زمین احساس همبستگی می‌کند.

۲. امان خواستن از خدا: واژه سلام در میان دو معنا مشترک است: ۱ - درود و تحیت ۲ - نام مقدس خداوند.

طبق معنای اول، معنای سلام‌های نماز روشن است؛ ولی بر اساس معنای دوم؛ اشاره و کنایه از این است که نمازگزار به اذن پروردگار، سلامتی و امن از عذاب را برای مؤمنان تَقَال می‌زند.

چنانکه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «معنی السلام فی دَبرِ کُلِّ صَلاةِ الامان»؛ معنی سلام در آخر هر نمازی، امان است» یعنی اگر نماز را در حالی که قلبش خاضع است به جای آورد از بلاهای آخرت در امان خواهد بود.

۳. جلب رحمت الهی: امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: در معنای «السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته» از خدا تَرَحَّم خواستن برای خود و همه بندگان است، که این خود سبب ایمن شدن از عذاب قیامت است»

۴. یاد آوری نام الهی: امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «سلام، یکی از اسم‌های خدا است و اگر می‌خواهی سلام نماز را به خوبی انجام داده و معنایش را ادا کنی، پس باید از خدا بترسی و دین و قلب و عقلت را سالم نگه داری و آن‌ها را به ظلمت گناه نیالی».

۵. تلقین نیکی‌ها و شایستگی‌ها: یکی از درس‌ها و ثمرات نماز این است که هر نمازگزاری، در هر شبانه روز پنج بار به خود تلقین می‌کند که از بندگان نیکوکار و شایسته خداوند است (السلام علینا و علی عبادالله الصالحین). کسی که نماز می‌خواند، اگر به معنای این جمله توجه کند، وجدانش تحت تأثیر قرار می‌گیرد و سعی می‌کند با پیام آن تلقین مخالفت نکند و اعمال خلاف مرتکب نشود و خود را هر چه بیشتر به نیکوکاران الگو نزدیک سازد.

۶. ارتباط با فرشتگان: سلام، نوعی ارتباط با فرشتگان و اظهار دوستی با آنان است. در تعیین این مطلب، روایتی نقل شده است: از امام صادق علیه السلام پرسیدند، چرا در وقت سلام، نمازگزار رو به طرف راست بر می‌گرداند، نه به چپ؟ «فرمود: ملکی که کارهای بد را می‌نویسد، در طرف چپ است. و چون نماز همه‌اش خوب است و بدی در او نیست، به طرف راست سلام داده می‌شود، نه طرف چپ».

۷. پیوند دوستی و محبت با دیگران: سلام، خواستاری سلامتی، امنیت، خیر و برکت و سعادت است. نمازگزار با سلام دادن، نشان می‌دهد که دوستدار و خیرخواه همه خوبان و نیکوکاران است و همواره آرزوی سلامتی آنان را دارد. این مسأله باعث نزدیکی قلب‌ها به هم و مستحکم‌تر شدن دوستی‌ها و برادری‌ها است.

در مورد فلسفه سلام‌های آخر نماز، در روایات اشاراتی وجود دارد؛ از جمله: امام رضا علیه السلام در بیان فلسفه این که چرا سلام تحلیل نماز است؟ در جواب کسی که از ایشان پرسید: چرا خداوند سلام را تحلیل نماز قرار داده و چرا به جای آن، تکبیر و تسبیح یا چیز دیگری قرار نداد؟ فرمود: چون وقتی نمازگزار خواست شروع به نماز کند، کلام مخلوقین را بر خود حرام کرد و توجه به خدا و خالق کرد؛ اما تحلیل نماز به کلام مخلوقین است و انتقال به طرف مخلوقین است و اولین چیزی که انسان‌ها می‌گویند سلام است. و به این سر و معنا هم عرفاء اشاره کرده‌اند؛ از جمله امام خمینی (ره) می‌فرماید: چون نمازگزار از مقام سجود که سر سجود فناء است به خود آمد و حالت هوشیاری به او دست داد و از حال غیبت خلق به حال حضور، رجوع کرد، به موجودات سلام می‌دهد، سلام کسی که از سفر و غیبت برگشته است، پس از این رجوع، اول به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سلام می‌دهد و بعد از آن، به اعیان دیگر موجودات و جمیع ملائکه خدا و انبیاء و مرسلین که در این سفر همراه او بودند سلام می‌کند و سلامت آنها را از خدا تقاضا می‌کند... بعد می‌فرماید: کسی که در نماز غایب از خلق نبوده و مسافر الی الله نبوده برای او سلام حقیقت ندارد و جز لقلقه لسان چیزی نبوده... و اگر در نماز که حقیقت معراج است عروجی حاصل نشد و از بیت نفس خارج نشده سلام برای او نیست. منابع: «مصباح الشریعة»، ص ۹۰، اسرار نماز، ص ۱۶۲. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۵. آداب الصلاة، ص ۳۹۹. رموز نماز، ص ۸۳.

«تسلیم» یکی دیگر از اجزاء نماز و به عنوان آخرین جزء آن به شمار می‌رود. نماز گزار با دادن سلام از حالت نماز خارج شده و چیزهایی که در حال نماز برای او حرام شده بود، حلال می‌شود. در وجوب یا استحباب «سلام» در نماز میان علماء اختلاف وجود دارد و لکن مشهور از ایشان قائل به وجوب آن هستند.

کیفیت تسلیم

برای ذکر «سلام» در نماز دو صیغه مطرح شده است^۱ که نماز گزار با هر کدام سلام نماز را بیان کند، از حال نماز خارج شده و نیازی به سلام دوم نمی‌باشد.

صیغه اول

«السلام علينا و علی عباد الله الصالحین»^۲

صیغه دوم

«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»^۳

۱. عبارت «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» از توابع تشهد محسوب می‌شود و موجب خروج از نماز نمی‌گردد. و گفتن آن طبق قول مشهور مستحب است. مستند العروة (الصلاة) ۴ / ۳۵۱

۲. در این جمله نمازگزار به وسیله کلمه «علینا» هم به خود و هم به دیگر نمازگزاران سلام می‌کند و با کلمه «عباد الله الصالحین» به همه بندگان شایسته خدا سلام می‌کند. صالحین چه کسانی هستند؟ قرآن گروه‌های مختلفی را جزء صالحین قرار داده از جمله:

الف. انبیاء: خداوند انبیاء را جزء صالحین دانسته و فرموده: «و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس کل من الصالحین؛ زکریا و یحیی و عیسی و الیاس جز صالحان هستند.» و در آیات دیگر نسبت به انبیاء دیگر آنها را جز صالحین شمرده است.

ب. مؤمنین: خداوند کسانی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر سرعت می‌گیرند جزء صالحان می‌داند، «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْتُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» «و الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد»

ج. جنیان مؤمن: از آنجا که جنیان دو گروهند، گروهی که ایمان دارند و گروهی که ایمان ندارند لذا بعضی از جنیان صالح و بعضی غیر صالحند. «وَ أَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَ مَنْ دُونَ ذَلِكَ» «و اینکه در میان ما افرادی صالح و افرادی غیر صالحند».

پس بنابر این کلمه «عباد الله الصالحین» شامل تمام بندگان شایسته خدا می‌شود چون این کلمه، به صورت جمع آمده که «ال» هم روی آن آمده که دلالت بر جمع می‌کند، یعنی هر کس که صالح باشد چه انبیاء باشند و چه مؤمنین انسی و چه مؤمنین جنی، نماز گزار بر همه آنها سلام می‌دهد.

۳. در این جمله مخاطب مبهم است، اما در روایات مصادیقی از این مخاطب را بیان فرموده اند از جمله گفته شده: این سلام ها خطاب به ملائکه موکل انسان هستند. در بعضی از روایات گفته شده که این سلام خطاب به تمام ملائکه و فرشتگان است و در بعضی آمده که این سلام ها به انبیاء الهی است و شاید هم بتوان گفت: بعد از آن که نماز گزار در سلام اول به خصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (و اهل بیت) سلام کرد و در سلام دوم به تمام نمازگزاران و تمام بندگان شایسته اعم از انبیاء و مؤمنین انسی و جنی و ملائکه سلام کرد در سلام سوم به صورت جمعی به همه آنها سلام می‌دهد و همه را مورد مخاطب خود قرار می‌دهد.

تشریح سلام سوم در معراج به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد نماز خود در معراج می‌فرماید: چون به خود و اهل بیت خود صلوات فرستادم استقامت نمودم، دیدم فرشتگان و انبیاء و مرسلین پشت سر من صف کشیده اند خطاب به من رسید، ای محمد: بر ایشان سلام کن، پس گفتم: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. پس وحی رسید سلام و تحیت منم، و تو و ذریه ات رحمت و برکات هستید.

دلیل وجوب «تسلیم»

شهرت فتوائی

واجب بودن «سلام» در نماز قول مشهور فقهاء می‌باشد خصوصاً متاخرین از فقهاء به این قول مایل شده‌اند، البته بعضی از علماء نیز فتوای به استحباب آن داده‌اند.^۱

موثقه اُبی بصیر

ابو بصیر می‌گوید که «از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که دربارهٔ مردی که نماز صبح خوانده بود و هنگامی که بعد از دو رکعت نشسته بود، قبل از این که تشهد بخواند، خون دماغ شده بود، فرمودند: از نماز خارج می‌شود و دماغش را می‌شوید سپس باز می‌گردد و نمازش را تمام می‌کند زیرا سلام، پایان نماز است»^۲.

همان‌طور که در این روایت ملاحظه می‌شود حضرت «تسلیم» را به عنوان جزء آخر نماز به شمار می‌آورند.^۳

علت تخییر مکلف در «تسلیم» و تحقق انصراف

شهرت

بنابر قول مشهور- که با هریک از دو فراز یاد شده خروج از نماز محقق می‌شود- هرگاه سلام با صیغهٔ اوّل ادا شود، صیغهٔ دوم مستحب است.

روایات

صحیحهٔ حلبی

۱. در وجوب و استحباب سلام نماز اختلاف است. بسیاری قائل به وجوب هستند. برخی احتمال داده‌اند شاید منظور قائلان به استحباب سلام، استحباب صیغهٔ دوم سلام- در صورت جمع بین صیغهٔ اوّل و دوم- باشد نه استحباب اصل سلام در نماز. در نتیجه، قول به استحباب با قول به وجوب منافات ندارد و اختلافی در مسئله نخواهد بود. جواهر الکلام ۱۰/ ۲۷۸- ۲۸۱

۲. باید توجه داشت که در استفاده احکام از روایات نباید گزینشی عمل نمود، به این معنی که برای استخراج حکم یک موضوع باید مجموع روایات و ادله را در نظر گرفت و با ملاحظه همهٔ آنها حکم را استخراج نمود. لذا در همین روایت که البته مصنف برای اصل وجوب «سلام» در نماز به آن استشهاد کرد باید دقت کرد که برای حکم «خون دماغ شدن در نماز» نباید به همین یک روایت اکتفاء کرد، بلکه باید ادلهٔ دیگر و روایات دیگر را نیز مشاهده نمود. لذا اگر به کتب فتوائی در خصوص حکم این مسأله مراجعه کنید مشاهده خواهید کرد که تفصیلات و شرایط خاصی برای آن ذکر شده است. برای مثال فقهاء با توجه به ادلهٔ دیگر در صورتی اجازه داده‌اند که شخص بینی خود را تطهیر کند و نماز را به اتمام برساند که عملی که منافی با نماز است مانند از قبله برگشتن یا صحبت کردن از او سر نزنند و یا بعضی قائل شده‌اند که اگر خون دماغ کمتر از یک بند انگشت باشد موجب بطلان نماز نیست. ولی در صورتی که بیشتر از این باشد و لباس یا بدن نمازگزار را آلوده کند باعث بطلان نماز خواهد بود. تفصیل دیگری که در این مسأله داده شده است در سعه و ضیق بودن وقت نماز است، که برای آگاهی از تفصیل بیشتر آن می‌توانید به رساله توضیح المسائل مراجع معظم تقلید مراجعه نمایید.

۳. تسلیم- بنابر قول به جزء بودن- جزء غیر رکنی است؛ از این رو تنها ترک عمدی آن موجب بطلان نماز می‌شود در صورت ترک آن از روی سهو، اگر قبل از انجام دادن عمل منافی با نماز- همچون پشت کردن به قبله یا حرف زدن- و نیز قبل از به هم خوردن موالات یادآور شود باید سلام را تدارک نماید و نمازش صحیح است. در صورت تذکر بعد از انجام دادن عمل منافی نماز یا به هم خوردن موالات، در اینکه نماز باطل می‌شود و اعادهٔ آن لازم است یا نه، اختلاف می‌باشد. العروة الوثقی (و حواشی) ۱/ ۶۹۳؛ مستمسک العروة ۶/ ۴۶۱.

«امام صادق علیه‌السلام فرمود: با هر ذکرى که خدا و رسولش صلى الله عليه و آله را یاد کنی، جزو نماز است و اگر بگوئی السلام علينا و على عباد الله الصالحين از نماز خارج شده‌ای».

موثقه حضرتى

حضرمی می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم من امام جماعت قومى هستم. حضرت فرمود: «یک سلام بده و به اطراف خودت توجه نکن و در سلام نماز بگو: السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته، السلام عليكم»!

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جمع میان این دو روایت ما را به این نتیجه می‌رساند که نمازگزار با هر یک از دو عبارت «السلام علينا و على عباد الله الصالحين» یا «السلام عليكم و رحمة الله و بركاته» می‌تواند «سلام نماز» را اداء کند. (FG)

۱. «سلام» آخرین جزء واجب نماز: موثقه أبى بصير.

۲. جواز ذکر سلام با «السلام علينا و على عباد الله الصالحين» و خروج از نماز: صحیحه حلبی.

۳. جواز ذکر سلام با «السلام عليكم و رحمة الله و بركاته» و خروج از نماز: موثقه حضرتى.

۴. تخییر مکلف در ذکر هر یک از دو سلام و خروج از نماز: جمع میان روایات.

احکام

و ادلة احکام «سلام نماز»

تطبيق

التسليم

سلام دادن

و هو آخر أجزاء الصلاة. و به يتحقق الخروج عنها و تحل منافياتها.

و «سلام» آخرین جزء نماز است و به واسطه آن خروج از نماز محقق می‌شود و آنچه با نماز منافات داشت، حلال می‌شود.

و له صيغتان: السلام علينا و على عباد الله الصالحين، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

و برای سلام نماز دو صیغه وجود دارد: السلام علينا و على عباد الله الصالحين، السلام عليكم و رحمة الله و بركاته. و بآیهما بدأ تحقق به الانصراف.

و با هر کدام از این دو صیغه شروع شود، خروج از نماز محقق می‌شود.

و المستند فى ذلك:

۱. درباره سلام دوم اختلاف است که آیا گفتن «السلام عليكم» بدون ضمیمه «و رحمة الله و بركاته» کفایت می‌کند یا نه؟ قول به کفایت منسوب به مشهور است. مقابل آن، دو قول است: ۱. وجوب اضافه «و رحمة الله». ۲. وجوب اضافه «و رحمة الله و بركاته». مستند العروة (الصلاة) ۴/ ۳۵۴-

مستندات احکام «سلام»

۱. اما وجوب التسليم، فهو المشهور - و قيل باستحبابه -

۱. اما وجوب «سلام» به دليل قول مشهور فقهاست - و بعضی نیز قائل به استحباب آن شده‌اند -

و يدل عليه موثق أبي بصير: «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في رجل صَلَّى الصبح فلما جلس في الركعتين قبل أن يتشهد رعف. قال: فليخرج فليغسل أنفه ثم ليرجع فليتمّ صلاته فان آخر الصلاة التسليم»^۱ و غيره.

و بر وجوب آن دلالت می‌کند موثقه أبي بصير: ابو بصير می‌گوید که «از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که درباره مردی که نماز صبح خوانده بود و هنگامی که بعد از دو رکعت نشسته بود، قبل از این که تشهد بخواند، خون دماغ شده بود، فرمودند: از نماز خارج می‌شود و دماغش را می‌شوید سپس باز می‌گردد و نمازش را تمام می‌کند زیرا سلام، پایان نماز است» و غیر این موثقه.

و أمّا التخيير في صيغة التسليم و تحقق الانصراف بما بدأ به منهما، فهو المشهور بين المتأخرين،

و اما تخییر در صیغه «سلام» و محقق شدن انصراف با هر یک از آن دو که شروع شود، به دليل قول مشهور میان متأخرین از فقهاست.

و يقتضيه الجمع بين صحيحة الحلبي: «قال أبو عبد الله عليه السلام: كل ما ذكرت الله عزّ وجلّ به و النبي صَلَّى الله عليه و آله فهو من الصلاة. و ان قلت: السلام علينا و على عباد الله الصالحين فقد انصرفت»^۲.

و اقتضاء می‌کند تخییر را، جمع بین صحیحه حلبی: «امام صادق علیه‌السلام فرمود: با هر ذکرى که خدا و رسولش صلى الله عليه و آله را یاد کنی، جزو نماز است و اگر بگوئی السلام علينا و على عباد الله الصالحين از نماز خارج شده‌ای».

و موثقة الحضرمي عن أبي عبد الله عليه السلام: «قلت له إني أصلي بقوم. فقال: تسلّم واحدة و لا تلتفت. قل: السلام عليك أيها النبي و رحمة الله و بركاته، السلام عليكم...»^۳

و موثقه حضرمي از امام صادق علیه‌السلام: حضرمي می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم من امام جماعت قومی هستم حضرت فرمود: «یک سلام بده و به اطراف خودت توجه نکن و در سلام نماز بگو: السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته، السلام عليكم» SCO۱۰۸:۲۷

شکيات نماز

مسألة اول: شك در خواندن نماز بعد از وقت و قبل آن.

۱. وسائل الشيعة الباب ۱ من أبواب التسليم الحديث ۴.

۱. وسائل الشيعة الباب ۴ من أبواب التسليم الحديث ۱.

۲. وسائل الشيعة الباب ۴ من أبواب التسليم الحديث ۳.

هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز را خوانده یا نه یا حتی گمان کند نخوانده است، به شک اعتنا نکند، ولی هرگاه پیش از گذشتن وقت نماز شک کند، باید نماز را به جا آورد و حتی اگر گمان دارد نماز را خوانده کافی نیست.

مسأله دوم: شک بعد از سلام.

هرگاه بعد از سلام نماز شک کند، خواه شک مربوط به شرایط نماز باشد، مانند قبله و طهارت و یا اجزای نماز مانند رکوع و سجود، به شک خود اعتنا نمی‌کند.

مسأله سوم: شک در افعال نماز

هرگاه در اثناء نماز بعد از گذشتن محل چیزی، شک کند آن را به جا آورده یا نه مثل اینکه بعد از داخل شدن در رکوع، در حمد و سوره شک کند و یا بعد از ورود در سجده در رکوع شک نماید، در هیچ یک از این موارد نباید به شک خود اعتنا کند. البته هرگاه وارد رکن بعد نشده باید برگردد و به جا آورد.

مسأله چهارم: شک در صحیح بودن افعال

اگر بعد از فراغ از هر جزء در صحت آن شک کند، اگر چه داخل جزء دیگری نشده، بنابر صحت می‌گذارد، مثلاً اگر بعد از تکبیر یا بعد از خواندن آیه‌ای یا کلمه‌ای در صحت آن شک نماید، نباید به شک خود اعتنا کند. «FG»

- | | | |
|--|---|------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. شک در خواندن نماز بعد از خارج شدن وقت. ۲. شک در انجام شرائط و اجزاء بعد از سلام نماز. ۳. شک در انجام افعال بعد از گذشتن از محل آن‌ها. ۴. شک در صحت افعال نماز بعد از فراغ از آن. | } | شک‌های غیر قابل اعتناء |
|--|---|------------------------|

مسأله پنجم: شک‌های باطل کننده در عدد رکعات

شک در عدد رکعات نمازهای دو رکعتی، سه رکعتی و دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی، باطل کننده نماز خواهد بود. «FG»

- | | | |
|---|---|--------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. شک در عدد رکعات نمازهای دو رکعتی مانند نماز صبح و نماز مسافر. ۲. شک در عدد رکعات نماز سه رکعتی. ۳. شک در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی. | } | شک‌های مبطل در عدد رکعات |
|---|---|--------------------------|

مسأله ششم: شک‌های مبطل کننده در عدد رکعات

شک بین دو و سه در نمازهای چهار رکعتی بعد از سر برداشتن از سجده دوم، باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

مسأله هفتم: شک بین سه و چهار

شاک بین سه و چهار در هر جای نماز باشد، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

مسأله هشتم: شک بین دو و چهار

شاک بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم، که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

مسأله نهم: شک بین دو و سه و چهار

شاک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم، بنا را بر چهار می‌گذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد.

مسأله دهم: شک بین چهار و پنج

شاک بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می‌آورد، و اگر در حال ایستاده، شک بین چهار و پنج برایش پیش بیاید، می‌نشیند، تشهد و سلام می‌خواند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا می‌آورد. «FG»

- | | | |
|--|---|---|
| <p>۱. شک بین ۲ و ۳ بعد از سجده دوم: بناء بر ۳، ۱ رکعت نماز احتیاط.</p> <p>۲. شک بین ۳ و ۴: بناء بر ۴، ۱ رکعت نماز احتیاط.</p> <p>۳. شک بین ۲ و ۴ بعد از سجده دوم: بناء بر ۴، ۲ رکعت نماز احتیاط.</p> <p>۴. شک بین ۲ و ۳ و ۴ بعد از سجده دوم: بناء بر ۴، ۲ رکعت نماز احتیاط ایستاده و ۲ رکعت نشسته.</p> <p>۵. شک بین ۴ و ۵ بعد از سجده دوم: بناء بر ۴، دو سجده سهو.</p> <p>۶. شک بین ۴ و ۵ در حال قیام: نماز گزار نشسته، تشهد و سلام، ۱ رکعت نماز احتیاط.</p> | } | <p>احکام شک‌های
غیر مبطل در عدد رکعات</p> |
|--|---|---|

حکم ظن در نماز

ظن به عدد رکعات حکم یقین را دارد، ولی گمان به اجزاء نماز حکم شک را دارد، پس اگر نماز گزار گمان به انجام جزئی در محل داشته باشد، باید آن را بجا آورد، و اگر پس از گذشتن از محل به انجام ندادن جزئی گمان پیدا کند، نباید به آن اعتناء کند. «FG»

- | | | |
|---|---|-----------------------|
| <p>۱. ظن به عدد رکعات: حکم یقین.</p> <p>۲. ظن به اجزاء: حکم شک.</p> | } | <p>حکم ظن در نماز</p> |
|---|---|-----------------------|

تطبيق

أحكام الشكوك

احكام شكيات

من شك في ادائه للصلاة في الوقت يلزمه فعلها دون ما لو شك في خارجه.

كسى كه در انجام نماز در داخل وقت شك كند لازم است كه نماز را بخواند غير از جائي كه در خارج از وقت شك كند.

و الشاك في جزء أو شرط بعد الفراغ لا يلتفت.

و كسى كه در جزء يا شرط بعد از فراغت از نماز شك كند، نبايد به آن اعتناء كند.

و الشاك في فعل بعد الدخول في غيره بيني على تحقّقه، و إذا كان قبله يأتي به.

و كسى كه در فعلى بعد از وارد شدن در فعل ديگر شك كند، بناء مي گذارد كه آن را انجام داده است و اگر قبل از ورود به فعل ديگري برايش شك حاصل شود، آن را انجام مي دهد.

و الشاك في صحّة المأتي به بيني على الصحّة و ان لم يدخل في غيره.

و كسى كه در صحيح بودن آنچه انجام داده است شك كند، بناء بر صحت آن مي گذارد، هر چند در فعل ديگري وارد نشده باشد.

و الشاك في عدد الركعات من الثنائية و الثلاثية و الأوليتين من الرباعية مبطل لها.

و شك در عدد ركعت هاي نماز دو ركعتي و سه ركعتي و دو ركعت اول نماز چهار ركعتي باعث بطلان نماز خواهد شد.

و الشاك بين الاثنتين و الثلاث من الرباعية بعد إتمام الذكر الواجب للسجدة الأخيرة بيني على الثلاث و يحتاط بركعة قائما أو بركعتين جالسا.

و كسى كه بين دو و سه از نماز چهار ركعتي بعد از تمام شدن ذكر واجب سجده اخير، شك كند، بناء را بر سه مي گذارد و يك ركعت نماز احتياط ايستاده يا دو ركعت نشسته بجا مي آورد.

و الشاك بين الثلاث و الأربع بيني على الأربع و يحتاط كذلك.

و كسى كه بين سه و چهار شك كند بناء را بر چهار مي گذارد و يك ركعت نماز احتياط ايستاده يا دو ركعت نشسته بجا مي آورد.

و الشاك بين الثنتين و الأربع بعد إتمام الذكر الواجب للسجدة الأخيرة بيني على الأربع و يحتاط بركعتين من قيام.

و كسى كه بين دو و چهار بعد از تمام شدن ذكر واجب سجده آخر، شك كند، بناء را بر چهار مي گذارد و دو ركعت نماز احتياط بجا مي آورد.

و الشاك بين الثنتين و الثلاث و الأربع بعد إتمام الذكر الواجب للسجدة الأخيرة بيني على الأربع و يحتاط بركعتين من قيام و ركعتين من جلوس.

و کسی که بین دو و سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر سجده آخر شک کند، بناء را بر چهار می‌گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا می‌آورد.

و الشاک بین الأربع و الخمس بعد ذکر السجدة الأخيرة بینی علی الأربع و یسجد سجدة السهو.

و کسی که بین چهار و پنج بعد از سجده آخر شک کند، بناء را بر چهار می‌گذارد و دو سجده سهو بجا می‌آورد.

و اذا كان شكّه المذكور حالة القيام یجلس و یطبّق حکم الشاک بین الثالثة و الرابعة.

و اگر شک بین چهار و پنج در حال قیام باشد، می‌نشیند و حکم کسی که شک بین سه و چهار دارد بر او تطبیق می‌شود.

و الظن بعدد الركعات بحکم الیقین بخلافه فی الافعال فانه بحکم الشک.

و ظن به عدد رکعات، حکم یقین را دارد به خلاف ظن به افعال که حکم شک را خواهد داشت. SCO۲۹:۰۱

چکیده

۱. آخرین جزء واجب نماز «سلام» است که با آن نمازگزار از حالت نماز خارج شده و چیزهایی که در حال نماز برای او حرام بود برایش حلال می‌شود.
۲. برای «سلام» نماز دو عبارت وجود دارد که هر یک از این دو عبارت نمازگزار شروع کند، خروج از نماز محقق می‌شود:
الف: السلام علينا و علی عبادالله الصالحین
ب: السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.
۳. وجوب «سلام» قول مشهور فقهاست هر چند بعضی نیز قائل به استحباب آن شده‌اند و بر وجوب آن موثقه‌ایی بصیر از امام صادق علیه‌السلام دلالت می‌کند.
۴. مخیر بودن مکلف در ذکر «سلام» به هر یک از دو عبارت و خروج او از نماز با شروع هر کدام از آنها قول مشهور میان متأخرین از فقهاء و مقتضی جمع میان موثقه‌ی حضرمی و صحیح‌ه‌ی حلبی، می‌باشد.
۵. اگر کسی شک کند که نمازش را خوانده است، در داخل وقت باید آن را بخواند اما در خارج وقت لازم نیست، آن را انجام بدهد.
۶. نمازگزار به شک در انجام جزء یا شرط پس از پایان نماز، نباید اعتناء کند.
۷. کسی که در فعلی بعد از وارد شدن در فعل دیگر شک کند، بناء را بر انجام آن می‌گذارد و اگر قبل از ورود به فعل دیگری شک حاصل شود، آن را انجام می‌دهد.
۸. اگر در صحیح بودن آنچه انجام داده شده شک شود، بناء بر صحت آن گذاشته می‌شود، هر چند ورود به فعل دیگری نشده باشد.
۹. شک در عدد رکعت‌های نماز دو رکعتی و سه رکعتی و دو رکعت اول نماز چهار رکعتی مبطل نماز می‌باشد.
۱۰. در شک بین دو و سه بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده اخیر، بناء بر سه گذاشته می‌شود و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته انجام می‌شود.
۱۱. در شک بین سه و چهار بناء بر چهار و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورده می‌شود.
۱۲. در شک بین دو و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده اخیر، بناء بر چهار و دو رکعت نماز احتیاط خوانده می‌شود.
۱۳. در شک بین دو و سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر سجده اخیر، بناء بر چهار و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نماز احتیاط نشسته خوانده می‌شود.
۱۴. کسی که بین چهار و پنج بعد از سجده اخیر شک کند، بناء را بر چهار می‌گذارد و دو سجده سهو بجا می‌آورد. و اگر شک وی در حال قیام باشد، می‌نشیند و وظیفه شخص شاک بین سه و چهار را انجام می‌دهد.
۱۵. ظن به عدد رکعات، حکم یقین و ظن به افعال حکم شک را دارد.